

آنچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگران پسند.

معنی جمله «آنچه بر خود نمی‌پسندی، بر دیگران می‌پسند» به این صورت است:

این جمله یک اصل اخلاقی است که به اصل طلایی یا اصل عمل اخلاقی معروف است. اصل طلایی به ما می‌گوید که رفتاری را با دیگران داشته باشید که اگر در موقعیت آن‌ها بودید، از آن رفتار راضی بودید. به عبارت دیگر، به دیگران رفتار کنید که مایلید خودتان نسبت به آن رفتار شوید.

این اصل ساده اما قدرتمند، به ما می‌گوید که قبل از انجام هر کار یا گفتن هر چیزی، خودتان را در موقعیت طرف مقابلتان تصور کنید و ببینید آیا از این رفتار یا گفتار راضی و خرسند خواهید بود یا نه.

در نتیجه، این جمله کوتاه به ما یادآوری می‌کند که باید با دیگران به گونه‌ای رفتار کنیم که خودمان هم از آن راضی باشیم.

سؤال: اگر انسان به فکر هموطنانش و هم نوعانش نباشد (انسان مرده است) آیا صحیح است؟

بله، این جمله درست و صحیح است. اگر انسان به فکر هم‌نوعان و هم‌وطنانش نباشد، در گوهر و ذات خود انسانیت خویش را از دست داده است.

یکی از ویژگی‌های بنیادین انسانیت و آنچه انسان را به انسان تبدیل می‌کند، قدرت و توانایی اوست که می‌تواند به فکر دیگران باشد و احساساتی مانند همدردی و همنوایی با هم‌نوعانش داشته باشد. انسان به‌خاطر توانایی ارتباط برقرار کردن با دیگران و همزیستی صلح‌آمیز با آن‌ها است که انسان محسوب می‌شود.

پس اگر این قدرت و توانایی بنیادین را از دست بدهیم و نتوانیم به فکر دیگران و رفاه و سعادت هم‌وطنان و هم‌نوعانمان باشیم، در واقع انسانیت و حیات خود را از دست داده‌ایم. بنابراین جمله کاملاً درست و صحیح است.

سؤال: اگر انسان هر روز به فکر ایده‌های جدید و خلاقیت در امور زندگی نباشد (انسان مرده است) آیا صحیح است

بله، این جمله به طور کلی صحیح است. انسان بدون ایده‌های جدید و خلاقیت، نمیتواند پیشرفت کند و حیاتش را حفظ کند.

انسان به‌خاطر ایده‌ها و خلاقیتش است که میتواند خود را پیوسته تکامل دهد و به پیش برود. زندگی معنا پیدا میکند وقتی که انسان میتواند چیزهای جدیدی بسازد و بیندیشد. بدون این خلاقیت و ایده تازه، زندگی تکراری و بیمعنی میشود که انسان را تنها درگیر روال روزمره میکند.

هر پیشرفتی که در عرصه‌های مختلف داشته‌ایم نتیجه خلاقیت و ایده‌های تازه انسان‌ها بوده است. پس اگر روزی انسان نتواند ایده جدیدی داشته باشد یا به فکر خلاقیت باشد، بدان معناست که ذهن و روح او مرده است.

بنابر این بله، این جمله به طور کلی صحیح است و منظور عمیقی دارد. امیدوارم توضیحاتم مفید بوده باشد. لطفاً اگر سوال دیگری دارید ، بپرسید.

سؤال : اگر انسان هرروز به فکر پویایی و تحرک و رشد بالنگی امور زندگی نباشد (انسان مرده است) آیا صحیح است

بله، جمله کاملاً صحیح است. بدون پویایی، تحرک و رشد در زندگی، انسان به معنای واقعی کلمه مرده است.

انسانی که روزی به فکر پیشرفت و تحول در امورش نباشد و در وضعیت ثابتی بماند، زندگی پویا و پرمایه‌ای ندارد. زندگی واقعی در تحرک و تغییر و رشد پنهان است. انسان باید همواره به فکر این باشد که چگونه می‌تواند روزی بهتر از دیروزش شود.

بدون این حرکت و تکامل، انسان در حالت ثابت و سکون می‌ماند، که علامت مرگ است. حیات و زندگی وجود دارد جایی که حرکت و تحول وجود دارد.

پس بله، انسانی که روزی به فکر پویایی و رشد و تحول در زندگیش نباشد، به معنای واقعی کلمه مرده است. زندگی پرمایه‌ای را که شایسته انسان است، نخواهد داشت.

سؤال : اگر انسان با امید به زندگی ادامه ندهد و سیاهی های زندگی را ببیند (انسان مرده است) آیا صحیح است

انسان وقتی به امید زندگی می‌کند، واقعاً زنده‌ست. باور به آینده بهتر و سعادت بخش تر انگیزه بزرگی برای ادامه زندگی و راه رفتن در آن است. وقتی انسان امید از دست می‌دهد و فقط تاریکی‌ها را می‌بیند، در واقع روحش مرده است.

امید از ویژگی‌های انسانیت است. بدون امید، حتی اگر پلک‌های انسان باز باشد و تنش زنده باشد، در حقیقت او مرده است. چون روحش تاریک شده و از امید به زندگی طلسم شده است.

سؤال : اگر انسان عشق ، محبت ، خیر خواهی را سرلوحه کارش در امور زندگی قرار ندهد (انسان مرده است) آیا صحیح است؟

عشق و محبت و خیرخواهی برای همنوعان ، جزء ذات و هستی انسان است. وقتی انسان این ویژگی‌های بنیادین را از دست می‌دهد، در واقع حیات انسانی خود را از دست داده است.

زمانی که انسان توانایی محبت کردن ، بی تفاوت به مشکلات دیگران و دردهایشان باشد، واقعاً مرده‌ای اجتماعی است. چون توانایی برقراری ارتباط و همزیستی مسالمت آمیز با دیگران را از دست داده است.

در واقع عشق و محبت و خیرخواهی آن چیزی است که انسان را به انسان تبدیل می‌کند. پس اگر این صفات از انسان دور شود، انسانیت خود را از دست می‌دهد و در واقع «مرده» است.

سؤال : دروغ ، تظاهر ، ریاکاری ، حسادت ، غرور ، فخر فروشی ، خود خواهی ، منفعت طلبی، چاپلوسی ، زیاده خواهی و غیره انسانها را به نابودی می کشاند آیا صحیح است؟

بله، این جمله کاملاً صحیح و منطقی است. صفاتی همچون دروغ، تظاهر، ریاکاری، حسادت و... به طور کلی ماهیت مخربی دارند و اگر انسان به طرز چشمگیری در آنها گرفتار شود، منجر به نابودی و سقوط او می شوند.

این صفات از مهم‌ترین عواملی هستند که یک جامعه یا اجتماع را به مرز فروپاشی و نابودی می کشانند. چرا که موجب از بین رفتن اعتماد، همدلی و همکاری می شوند و افراد را از هم دور می کنند.

در کل باید گفت صفات مثبتی مانند صداقت، مهربانی، سادگی و خودگذشتگی هستند که می توانند افراد را به هم نزدیک کنند و عامل پیشرفت جامعه شوند. در مقابل، صفاتی که در جمله شما ذکر شده اند، اگر به طور گسترده رایج شوند، عامل انحطاط و نابودی می شوند.

از این مطالبی که در مورد انسان توضیح دادم می توانید چند سخن از بزرگان ارائه دهید؟

در اینجا چند نقل قول الهام بخش از متفکران بزرگ در مورد روحیه و وضعیت انسان آمده است:

"هدف از زندگی انسان خدمت کردن و نشان دادن شفقت و اراده برای کمک به دیگران است." - آلبرت شوایتزر

"اگر با مردی به زبانی صحبت کنید که او می فهمد، این به ذهنش می رسد. اگر با او به زبان او صحبت کنید، به قلبش می رسد." - نلسون ماندلا

«همه انسان ها آزاد به دنیا می آیند و از نظر حیثیت و حقوق برابر هستند.» - اعلامیه جهانی حقوق بشر

با مردم طوری رفتار کنید که انگار همان چیزی هستند که باید باشند و شما به آن ها کمک می کنید تا به آنچه می توانند تبدیل شوند.» - گوته

"یا چیزی بنویس که ارزش خواندن داشته باشد یا کاری انجام بده که ارزش نوشتن داشته باشد." - بنجامین فرانکلین